

اسرار الصلوة شهيد ثانی



ترجمہ

محمد حسین بختیاری کوہسرخي

پروفیسر، گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

استاد دانشگاہ مشهد

پربال جامع علوم اسلامی

ترجمه اسرار الصلوة

(۲)

مردمان عاقل دانشمند و قتیکه طهارت و پاکی ظاهر بدن را در این موقع لازم دانستند تطهیر و پاکیزگی دل را که بزرگترین اعضاء بدن و رئیس آنهاست مقدم و مهمتر می دانند بجهت اینکه بهره زیاد و نصیب فراوانی که هنگام دعا و عبادت برای دل حاصل می شود برای هیچیک از اعضاء بدن حاصل نمی گردد و عبادت بدون حضور قلب و توجه دل مانند جسد بی روح و کالبد بدون جان است و قتیکه آب برای وضو پیدا نشود به تیمم امر شده که مسح و کشیدن اعضاء دیگر بدن بخاک برای اینست که کبر و غرور را بمالیدن اینها بخاک درهم شکند خاک که پست ترین اشیاء عالم است هنگام مالیدن بدست و صورت باید به این فکر باشد و بدل بگذراند که چون نشد دل را از اخلاق پست و صفتهای بد پاکیزه کرد و او را باوصاف نیکو و خوب زینت داد باید در مقام ذلت و درهم شکستن نفس برآمد و او را خوار و ذلیل گردانند .

بمالیدن خاک بسر و صورت بامید اینکه مولای کریم و آقای مهربان رحیم ذلت و انکسار او را به بینند و ترجم فرمایند و بنوری از انوار مقام اعلی دل او را روشن نماید چونکه فرموده (فانه عند قلوب المنكسره) دلهای شکسته جای من است .

آنوقت که محل تجلی و مرحمت الهی قرار گرفت از خواب غفلت بیدار گردیده و آنچه در گذشته باهمال و اگذار نموده و ترك کرده فعلاً بواسطه تجلیات و موهبتهای خداوند رحیم توجه تام و اقبال حقیقی به پیشگاه مولای

واقعی در او بوجود می‌آید و هر چه را در گذشته باهمال و مسامحه برگزار کرده و ترك نموده جبران می‌کند حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید (اذا أردت الطهارة والوضوء فتقدم الى الماء تقدمك الى رحمة الله فان الله تعالى قد جعل الماء مفتاح قربه ومناجاته ودليلاً الى بساط خدمته).

هر زمان پاکیزگی و وضو را اراده نمائی آبی را که مقابلت می‌باشد و مشاهده می‌کنی رحمت خدایا بخاطر بیاور. خداوند آبراه هنگام مناجات کلید رحمت خودش قرار داده و دلیل قرب جوار داشته همانطور که رحمت و اسعه الهیه بندگان را پاک می‌کند و می‌شوید و آنهارا از آلودگی و معصیتها پاکیزه می‌فرماید هم چنین آب هم کثافات و آلودگی ظاهر بدن را از بین می‌برد و ظاهر بدن را پاک و پاکیزه می‌کند.

(وهو الذي ارسل الرياح بشراً بين يدي رحمته وانزلنا من السماء ماءً طهوراً وجعلنا من الماء كل شيء حي).

از آسمان آب پاکیزه فرستادیم و زندگی هر چیز را بآب قرار دادیم همانطوریکه وجود و زندگی هر یک از نعمتهای دنیوی بآب می‌باشد حیوة و زنده بودن دلها هم بفضل و رحمت حق سبحانه تعالی به طاعت و عبادت است معاشرت و رفتار انسانها با هم نوع خود باید برای آموزش و بهره‌رسانیدن به یکدیگر باشد مثل آب.

آنچه موجودیکه در عالم وجود داشته باشد از جماد و نبات و حیوان و انسان بقدر و اندازه استعداد وجودی هر یک از آب بهره‌مند و مستفیض می‌گردند آب از صفا و درخشندگی‌ای که دارد هیچ تغییر و تفاوتی در او حاصل نمی‌شود برای همین پیغمبر خاتم صل الله علیه و آله فرمود: (مثل المؤمن الخالص كمثل الماء) و جوهر مردمان با ایمان در اجتماع مانند آب است همانطوریکه آب

صفا و طراوت دارد توهم باید در جمیع طاعات و عبادات باخدای خود صاف و با نشاط باش هنگام نزول آب از آسمان خداوند آنرا طهور نامیده توهم ای انسان باید دل ترا بسا تقوای و یقین طاهر و پاکیزه نمائی . ابن شاذان از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که فرمود :

«انما امر بالوضوء لیكون العبد طاهراً اذا قام بین یدی الجبار عند مناجاته اياه مطیعاً له فیما امره تقیماً من الادناس و النجاسة ، مع مافیة من ذهاب الكسل و طرد النعاس و تزکیة الفؤاد للقیام بین یدی الجبار و انما اوجب علی الوجه و الیدین و الراس و الرجلین لأن البعد اذا قام بین یدی الجبار فانما ینکشف من جوارحه و ینظر ماوجب فیہ الوضوء و ذلك انه بوجهه ینسجد و ینضع و ینبده ینسأل و یرغب و یتبتل و برأسه ینستقبل فی رکوعه و سجوده و برجلیه یقوم و یقعد ، و امر بالفسل من الجنابة دون الخلاء لان الجنابة من نفس الانسان و هو شیء ینخرج من جمیع جسده و الخلاء لیس من نفس الانسان انما هو غذاء یدخل من باب و ینخرج من باب» . گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خداوند بندگان را هنگام نماز خواندن بوضو امر فرموده برای اینکه بندگان وقت مناجات در پیشگاه قادر جبار پاک و پاکیزه باشند و آنچه امر شده اند فرمان بردار و از کثافات و نجاسات برکنار و از حال کسالت و خواب آلودگی بیرون آیند و خود را آماده و مهیأ نمایند برای حضور در پیشگاه خداوند قهار و همانا در وضو واجب شده شستن صورت و دودست و دویا و

در این کتاب همگام نماز خواندن و مناجات نمودن بصورتش خضوع و

از هر استیسا س که از انتظار حیدر

نه در هنگام تخلیه و جهتش اینست که آن امر از خود انسان سر زده و اثر آن از تمام رگت و پیوند پدید می آید ولی هنگام تخلیه چیزی از خود کم نمیشود و سر نمی زند بلکه اثر غذایی می باشد که خورده است .

مراد از پوشیدن عورت در نماز لباس تقواست حضرت صادق صلوات الله علیه فرموده «ازین اللباس للمؤمنین لباس التقوی و انعمه الایمان» برای بندگان مؤمن جامه پرهیزگاری زیوردارترین لباسها و نرم ترین آنهاست. حق تعالی می فرماید «ولباس التقوی ذلک خیر» لباس تقوا و پرهیزگاری از تمام لباسها بهتر است. اما لباس ظاهر نعمتی است از جانب خداوند متعال که فرزندان آدم بوسیله آن بدن خودشان را می پوشانند و این لباس ظاهری کرامتی است که حق متعال بوسیله آن عبادت ذریه آدم علیه السلام را قبول فرموده و بر غیر خودشان فضیلت داده و گرامی داشته و همین لباس سلاح و آلتی است برای ادا نمودن عبادتهائی که خداوند بر فرزندان آدم واجب فرموده و بهترین لباسها لباسی است که انسان را از خدا باز ندارد بلکه بواسطه ذکر و شکر و اطاعت او را بخدا نزدیک نماید. و او را وادار به عجب و ریا و تکبر و تفاخر بر غیر نکند بجهت اینکه هر یک از این اوصاف از آفتهای دنیا و باعث قساوت و تاریکی دل است هنگام پوشیدن لباس خدا را یاد نما و بخواه که برحمت و اسعاهش گناهان ترا ببوشاند همانطوریکه ظاهر ترا به لباس خوب می پوشانی باطن ترا هم به صدق گفتار و درستی رفتار ببوشان باید باطن ترا به لباس خوف و ترس از خدا و ظاهر ترا به اطاعت و عبادت حق ببوشانی و بفضل و مرحمت خداوند عبرت شوی و به فهمی که لباس را خلق فرموده برای پوشاندن عورتهای ظاهر بدن و باب توبه را گشوده بواسطه پوشاندن عورتهای باطنی که عبارتند از گناهان و بدی اخلاق و پستی صفات و هیچ کس را نباید

بدار بودن عیبها رسوا نمائی بجهت اینکه خودت بزرگتر از آن عیبها را دارا هستی و باید باصلاح عیبهای خودت بکوشی و از عیبهای دیگران که بحال تو نفع و ضرری ندارد چشم ببوشان و بترس از اینکه عمرت بگذرد و تلف شود بکارهای دیگران و سرمایه تو علت و سبب تجارت ایشان گردد و بهلاکت افتی زیرا فراموشی از گناهان خود از بزرگترین عذابهای الهی است در آخرت و موجب زیادی اسباب عقوبت می باشد در دنیا تا وقتیکه بنده به اطاعت و عبادت خدا و بشناسائی عیبهای خودش و ترك کارهای زشت مشغول می باشد به مسافت های طولانی از معصیت دور و در دریای رحمت حق تعالی شناور خواهد بود و به جوهر های حکمت و بیان از جانب قادر متعال بهره مند می باشد اما هر زمان گناهان را فراموش کند و عیبهای خودش را نداند و نشناسد و با استعداد و قوه خودش مغرور باشد هیچ وقت رستگار نخواهد گردید اما مکان باید انسان بداند در این مکان که برای نماز یا دعا حاضر شده پیش نظر و در برابر پادشاه تمام پادشاهان ایستاده و می خواهد تضرع و زاری و مناجات و التماس نماید و نظر رحمت موجودی را که تمام عالمها را ایجاد و خلق نموده بخودش جلب نماید لذا اول باید مکانی را که صلاحیت و قابلیت برای این کار داشته باشد در صورت امکان انتخاب و اختیار کند مانند مساجد مشرفه یا مشاهده متبرکه که پاکیزه بجهت اینکه خداوند متعال برای اجابت دعا این گونه جاهها را قرار داده و برای قبول رحمت و منبع و معدن رضا و آمرزش گناهان این مکانها مورد اطمینان و وسیله می باشند مانند دربار سلاطین و پادشاهان که موقع ورود و قارار امراعات کند و شکسته نفسی را از دست ندهد تا او را از خواص دربار قرار دهد. و خواستار شود بادل شکسته و بدن لرزان التماس نماید که خداوند رحیم او را به بندگان خالص گذشته خود ملحق کند و همیشه اوقات

مواظب باشد که در محضر جلال کبریائی می‌خواهد از صراط بگذرد و نمی‌داند که قبول شده و خواهد گذشت یا مردود است با اینحال قهر آدلت می‌شکند و قلبت خضوع و خشوع پیدا می‌کند و اهلیت و قابلیت دارا می‌شوی برای اینکه رحمت و اسعه الهی بر تو فرود آید و دست مرحمت قدرت بجانبت در حرکت باشد و به چشم عنایت و لطف مراعات شوی حضرت صادق (ع) می‌فرماید هر وقت بدر مسجد رسیدی بفهم و بدان که پادشاه عظیم الشانی را می‌خواهی ملاقات کنی که قدم در بساط و مملکت او نمی‌گذارند مگر پاکیزه‌گان و برای نشستن در آن مقام مآذون نیستند مگر راست‌گویان ملاحظه نما هیبت و بزرگی سلطانی را که می‌خواهی خدمت کنی از آنچه مایلی بخواهی و در پرتگاه عظیمی هستی که به اندک غفلتی سقوط نموده و محو و نابود می‌گردد .

«اذا بلغت باب المسجد فاعلم أنك قصدت ملكاً عظيماً لا يطاق بساطه الا المتطهرون ولا يؤذن لمجالسة الا الصديقون وهب القدامى الى بساط خدمة الملك هيبة الملك فانك على خطر عظيم ان غفلت» و بدان پادشاهی است که هر چه از عدل و فضل اراده نماید قادر است در صورت رأفت و مهربانی بفضل و کرم خویش رفتار فرموده طاعت و عبادت کم ترا قبول و ثواب زیاد بتو مرحمت کرده و در صورتیکه بر راستی و عدالت و استحقاق با تو رفتار نماید و عبادت ترا هر چه زیاد باشد رد کند و قبول نفرماید قدرت و توانائی دارد و بقاعده و بجا می‌باشد با این وصف به عجز و تقصیر و فقر خودت اعتراف کن و اقرار نما از باب اینکه بعبادت توجه نموده و با خداوند رحیم و مهربان انس گرفته و مأنوس گشته لذا دلت را از هر چیزی که تو را از خداوند بازدارد و حجاب گردد و باید خالی نمائی و دلت را صاف و بی‌غبار و آلت‌رها (ص) در دلت حاضر نما و با حال ادب که در برابر او ایستاده‌ای شهادت بده به رسالت و درود بر او و آل او نثار

وایثار نما و با قلب و قالب پاک بجانب نماز رو آور و نیز به چیزی که موجب رستگاری و بهترین اعمال و افضل آنها می باشد توجه داشته باشی و بعد از اینها تجدید عهد کن به بزرگی و عظمت حق تعالی و ختم نما بذکر خدا همانطوریکه ابتدا نمودی مبداء خودت را از او بدان و برگشتن را هم بجانب او قرار ده . ایستادن و نشستن و تکیه گاه تمام قوه خودت را از او بدان .

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم . اما استقبال یعنی روبه قبله ایستادن معنایش اینست از تمام جهات رو برگردانی و بجانب خانه خدا رو آوری آیا می بینی و می دانی توجه دادن و روی برگرداندن از تمام جهات و امور و رو کردن بامر خدا از تو ساخته نیست و قدرت نداری (هیئات و هیئات) بلکه مطلوب و مقصود دیگری جز این در کار نیست که دل را صاف نموده و بطرف خدا نمائی بلکه تمام این کارهای ظاهری وسیله و محرك و نردبان می باشند بسوی کارهای باطنی روی سر و روی دل همه بجانب خدا باشد برای همین است که پیغمبر (ص) در مناجات و راز و نیاز با خالق متعال می فرمود آیا اشخاصیکه در نماز از جانب قبله رو می گردانند نمی تربسند صورت ایشان بصورت حمار و الاغ مبدل گردد .

(أما يخاف الذی يحول وجهه فی الصلوة ان يحول الله وجهه وجه حمار) معلوم است هر کس در نماز بجانب چپ یا راست خود نگاه کند و نظر بیفکند از جانب خدای بزرگتر گذشته و از مطالعه انوار الهی غافل شده کسی که این حالت را داشته باشد روی دل او در کم عقلی و بی مطالعه ای مانند دل حمار می گردد هر چند صورت آدمی باشد لکن بواسطه بی فکری و عدم تأمل در علوم عقلی و نقلی تقرب بجانب مبداء متعال نجسته مساوی با حمار گشته که از تمام

حیوانات دربی فکری عقب‌است .

بدان همانطور که نمی‌شود روی ظاهر را بجانب کعبه و خانه خدا نمود مگر وقتی که از تمام اطراف و جهات روی گردانی همینطور روی دل هم بجانب حق متعال نمی‌توان کرد مگر وقتی که دل را از آنچه غیر از خداست خالی نمائی که بجز از خدا دردلت نباشد به همین جهت است که پیغمبر (ص) فرمود: (اذا قام العبد الی صلاته وکان هواه وقلبه الی الله انصرف کیوم ولدته امه) بنده خدا هرگاه بنماز بایستد و روی دل و قلب او با خدا باشد بعد از فراغت نماز مانند کسی است که از مادر زائیده و دنیا آمده باشد یعنی تمام گناهان او بخشیده می‌شود و گناهی برای او باقی نمی‌ماند حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: «اذا استقبلت القبلة فایس من الدنيا وما فیها والخلق وما هم فیهِ واستفرغ قلبك عن کل شاغل یشغلك عن الله تعالی وعاین بسرك عظمة الله واذکر وقوفك بین یدیه یوم تبالوا کل نفس ما اسلفت وردوا الی الله مولا هم الحق ووقف علی قدم الخوف والرجاء» .

هر زمان روی بقبله برای نماز ایستادی از دنیا و آنچه در دنیاست ناامید و مایوس باش و هم چنین از مردم و آنچه مردم به آن علاقه دارند و مشغول می‌باشند و از آنچه دلت را از یاد خدا بازمی‌دارد خالی نما و بیاد بیاور ایستادن خودت را در برابر و محل نظر خدای متعال روزی را که تمام مردم امتحان و آزمایش می‌شوند با آنچه پیش فرستاده‌اند و تمام مردم بر می‌گردند بطرف خدا آقا و مولای حقیقی خودشان در حالی که دارای بیم و امید می‌باشند (بین خوف و رجاء) .

و هنگام توجه به تکبیرات ششگانه افتتاحیه بخاطر بیاور و دردلت جای ده عظمت و بزرگواری قادر متعال و کوچک و پست بشمار خود و عبادت خود را

در پهلوی جلال و عظمت او و پستی همت خود و کوتاهی و تقصیر از قیام بوظیفه‌های خدمت و عبادت خودت و موقع گفتن این کلمات :

(اللهم انت الملك الحق لاله الا انت ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی فانه

لا یفر الذنوب الا انت) .

خدایا پادشاه برحق و صواب توئی معبود و سزاوار پرستش جز تو احدی نیست بخودم ظالم کردم و گناه نمودم . گناهان مرا بیامرز جز تو کسی نیست گناهان را ببخشد و بیامرزد و به قلبت جلوه بده و بدل بگذران و وقت خواندن این دعا که حق تعالی تو را به این خدمت لایق دانسته و بایست پیش او زیرا خدا نزدیک بتوست و اجابت می فرماید دعای هر کس را که بخواند او را می شنود آواز آنها را و بید قدرت او می باشد خوبی دنیا و خیر عقبی نه بدست دیگران و وقت گفتن این کلمات «لبیک وسعدیک والخیر و فی یدیک والشر و لیس الیک» بلی . بلی ای خدای مهربان اجابت می کنم تو را و تمام خوبیها بید قدرت کامله تو می باشد و هیچ بدی پیش تو وجود ندارد و منزه بدان او را از کارهای زشت و پست هدایت و ارشاد را مختص ذات احدیت بدان و هنگام گفتن این کلمات «والشر لیس الیک والمهدی من هدیت» هدایت شده کسی است که تو او را هدایت نموده باشی و به بندگی او اقرار و اعتراف نما و به اینکه قوام هستی تو و ابتدا و انتهای تو از جانب خداست ، و موقع گفتن این کلمات را «عبدک و ابن عبدیک منک و بک و لک و الیک» بنده تو و فرزند دو بنده تو هستم از تو ام و باتو می باشم و برای تو و بجانب تو بر خواهم گشت . یعنی از توست وجود بنده و بتوست قوام او و از برای توست ملک و بندگی او و بسوی توست باز گشت او . «وهو الذی ید الخلق ثم یعیده وهو اهون علیه وله المثل الاعلی» آن خدائی است که خلق را ایجاد فرموده و وجود داده و بعد از مردن هم آنها را بر می گرداند

و این امر آسان تر است برای او و آنچه داستان و مثال خوبی است همه برای خداست با جلوه دادن این امور حقه در دلت ترقی نما تا جائیکه گشوده شود بر صفحه دلت اسرار الهی و ملاقات نمائی مرحام و فیوضات عالم بالا را بجهت اینکه بروی هیچکس درهای رحمت بسته نیست و هیچ امیدواری از رحمت حق تعالی مایوس و ناامید بر نمی گردد .

«اللهم اهلنا لقبول طواع اسرارك و كملنا بالوصول الى الوامع انوارك واجعلنا من الوافقين على كراسى ارادتك العاكفين على بساط كرامتك وتمننا من هذا النقصان واهدنا الى طريق الرضوان وجد علينا بلطف الاحسان واعدنا من صفقة الخسران و آتنا من لدنك رحمة وهنى لنا من امرنا رشدًا» .

بار خدایا از اسرار خودت ما را شایسته و بر خوردار فرما و برای تابش نورهای خود ما را کامل نما و از اشخاصی که بر کرسیها و اریکه های فرمان تو می نشینند و صبر و درنگ می کنند بر آن تختها قرار بده و از این ناتمامی ما را تمام و کامل گردان و براه خشنودی خودت ما را هدایت فرما و از خوبیهای لطیف و پنهانی بما مرحمت کن پناه و نجات ده ما را از سودهای زیان بخش و از نزد خود بر ما رحمت نثار کن و مهیا نما برای ما راه نیک و صلاح را .

«در مقارنات نماز»

مقارنات نماز هشت چیز است ۱ قیام و آن وظیفه ایست که تو بدانی و در دلت خطوردهم که برابر خدائی ایستاده ای که آگاهی دارد بر تمام کارهای ظاهری و پنهانی تو و عالم به جمیع اعمال و افعال تو خواه ظاهر نمائی یا پنهان بجا بیآوری و از رگد گردن بتو نزدیک تر است باید اطاعت و عبادت نمائی او را مثل اینکه او را بچشم سرمی بینی و اگر هم نمی بینی او تو را می بیند و مشاهده می فرماید و پابر جا و استوار داشته باش دلت را همچنانکه بدنت را و سرت را

که بلندترین اعضای توست پائین بیاور با حال سکوت و بیچارگی و بردلت فروتنی و خضوع و خاکساری را جای ده و از تکبر و سرافرازی کناره گیری کن و در برابر خدا بایست مانند ایستادن تو در پیش یکی از پادشاهان زمان هر چند از معرفت کنه عظمت و جلال کبریائی عاجزی اما یقین داری که هنگام گفتگو و مکالمه با پادشاه عاجز و مظلومی بلکه در پیش او زبانت خواهد گرفت و پستی و فروتنی میکنی و بعضی اوقات هم بدنت بارزه و زبانت به لکنت می افتد این حالتها همه از خوف و ترس از عظمت پادشاه ظاهری دنیاست پس چگونه فکر می کنی و تصور مینمائی حضور پادشاه پادشاهان دنیا و آخرت را هنگام این فکر بیم و ترس که مقصود اصلی و نهائی عارفان می باشد برای تو پیدا می گردد در صورتی که تو ام و همدوش با امیدواری است زیرا می فهمی که همه چیز از اوست و احدی مالک واقعی هیچ چیز نیست همه چیز است و خوبیها از اوست و هیچ کس مالک نفع و ضرر و خیر و شر نیست. فهمیدن این امور باعث رجاء و امیدواری تو می گردد نسبت به مقام جلال و عظمت الهی و به آیات وارده در باب خوف و رجاء «بیم و امیدواری» هم تأکید شده بدیهی است که هر اندازه عظمت و بزرگی خالق ذوالجلال بیشتر تصور گردد خوف و ترس از گناهان زیادتر حاصل می شود و مقصود و مطلوب عابدان هم همین است مثل اینکه تصور کنی در حضور مرد پاك و صالحی از خویشاوندان خود ایستاده ای که او تو را می بیند و مواظب احوالت می باشد و او شخصی است که خیلی مایلی و می خواهی تو را در میان اقوام بخوبی معرفی کند با این فرض دلت می لرزد و بدنت خضوع و خشوع می گیرد و خودت را درست می گیری که مبادا این بنده عاجز مسکین بی همه چیز بتو نسبت دهد که دارای خشوع و خاکساری و فروتنی نیستی این وقتی است که به نفس خودت خطاب عتاب آمیز نمائی که ای نفس آدمی داری خدائی را می شناسی او را عبادت می کنی آیا حیا نمی کنی

از این جرئت نسبت به خدای خودت که از بنده عاجز اومی ترسی و حیا می کنی اما از خالق قادر او که شایسته وسزاوار بیم و ترس است خوف ننداری با اینکه نفع و ضرر و خیر و شر هیچکدام بدست آن بنده ذلیل و بی مقدار نیست اما می دانی اینها همه بدست خدائی که عالمِ بتمام احوال است برای عظمت او خاضع و فروتنی نمی کنی آیا او از بنده ای از بندگان خودش بنظر تو کمتر است چقدر نادانی و سرکشی تو سخت و دشمن بزرگی برای خودت خواهی بود به همین جهت است وقتی که پیغمبر (ص) عرض کردند حیا و شرمندگی از خدای متعال چگونه است ؟ می فرمود «تستحیی منه کما تستحیی من رجل صالح من قومك» حیائمانی از خدا همانطور که از یک مرد صالح از خویشاوندان خود حیا و شرم داری اما دوام بقیام برای اینست که انسان بداند همیشه باید با حضور قلب باشد و خدا را در دل حاضر داشته باشد پیغمبر (ص) می فرماید «ان الله مقبل علی العبد مالم یلتفت» .

خداوند به بنده توجه دارد تا وقتی که او از خدا رو برنگرداند همانطور که واجت است نگاه داشتن چشم سر از توجه به غیر نماز همچنان نگه داری دل و باطن از التفات بغير نماز لازم است در صورت توجه بغير نماز یاد آور شود که خداوند بحال او عالم می باشد یعنی خداوند مطلع است که من به غیر نماز متوجه هستم و قبیح است که من با خدا راز و نیاز و مناجات نمایم و دلم به فکر چیزهای دیگر باشد بجهت اینکه خشوع ظاهری لازم دارد خشوع باطنی را که پیغمبر ما (ص) چون شخص نماز خوانی را دید که باریش خود بازی می کند فرمود «لو خشع قلبه لخشعت جوارحه فان الرعیة بحکم الراعی» . اگر دل این شخص خاشع می بود اعضاء و جوارح او هم خاشع می شدند چون رعیت پیرو و محکوم به حکم حاکم است و دل در بدن بمنزله حاکم و سلطان است و اعضاء و جوارح بمنزله رعیت و برای همین است که در دعا وارد شده اللهم

اصاح الراعی والرعیه خدايا حاکم ورعییت را اصلاح نما و تمام امور و جهات طبیعی و حیایی انسان که در پیش بزرگان با حیا و مؤدب باشد حواس خود را جمع کند که مبادا در حضور سلطان ظاهری دنیا خلاف ادبی از او بروز کند و مستحق مجازات شود پس چگونه می باشد عال او و قتیکه خودش را در برابر سلطان السلاطین ملاحظه نماید در صورتی که پیش غیر خدا باخال خضوع و پستی خودش را نگه داری کند اما در برابر قادر متعال و خالق لیل النهار خودش را حفظ نکند و مضطرب باشد به این طرف و آن طرف نگاه کند و ادب نگاه ندارد و از کوتاهی فکر و بی معرفتی است نسبت به عظمت و جلال کبریائی و اطلاع او بر تمام کارهای پنهانی که در خلوت انجام داده درست فکر کن و تأمل نما در این فرمایش حق تعالی: «الذی یریک حین تقوم و تقلبک فی الساجدین» آنچه خدا می بیند هنگام ایستادن و همچنین انواع حرکات ترا در میان سجده کنندگان مشاهده می فرماید .

اما نیت وظیفه ایست که انسان باید عزم و تصمیم بگیرد برای انجام او امر حق تعالی و فرمانبرداری نماید برای نمازی که خداوند بر او واجب قرار داده و از چیزهایی که مفسد و درهم می شکند نماز را یعنی نماز را باطل می کند باید خودش را حفظ کند و نیت را برای رضای خدا خالص نماید بامید ثواب از او داشته و تقرب بجانب حق تعالی جوید در صورتیکه عاجز باشد از بجا آوردن عبادت برای خدائی که اهل و سزاوار پرستش و عبادت می باشد که این گونه عبادت از آزاد مردان و نیکو کاران جهان است .

«فاذا فاتتک درجة الأحرار الإبرار فلانفوتک درجة التجار» هر زمان مقام عبادت آزاد مردان و نیکو کاران از تو گرفته شد و نتوانستی انجام دهی مقام و درجه تاجران و مزدوران را بگیر که آن کار کردن است بامید مزد و عوض در صورتیکه این مرتبه هم از تو فوت شد بنشین و شرکت نما با بندگان زیرا

آنها کار می‌کنند از ترس کتک خدمت می‌نمایند از خوف عقوبت از آقای خودشان فکر وانديشه‌نما که خداوند منت گذاشته و بتو اجازه داده با بی‌ادبی و زیادی گناهان با او راز و نیاز و مناجات‌نمایی خیلی قدربدان و بزرگ بشمار که با این بی‌ادبی و کثرت معاصی با کی داری حرف می‌زنی و چه می‌گوئی و چه چیز می‌خواهی سزاوار است با اینحال پیشانیت از خجالت عرق کند و پشتت از هیبت بلرزد و درنگ و رویت از خوف و ترس الهی زرد شود همانطوریکه در پیش از بعضی از زنهای پیغمبر (ص) روایت شده بود «قالت کان رسول الله (ص) یحدثنا و نحدثه فاذا حضرت الصلوة فکانه لم یعرفنا ولم نعرفه شفلاً بالله عن کل شیء» پیغمبر باما حرف می‌زد و ما نیز با او مکالمه می‌کردیم و حرف می‌زدیم همینکه وقت نماز رسید مثل اینکه ما را نمی‌شناسد و ما هم او را نمی‌شناسیم بجهت اینکه آن بزرگوار در مقام جلال و عظمت الهی بکلی از خود بیخود و مستغرق بود و حضرت صادق (ع) فرموده :

«الاخلاص یجمع صوالح الاعمال» اخلاص بخدا تمام کارهای شایسته و خوب را دربر دارد او کلید قبولی و شایستگی همه آنها می‌باشد و پست‌ترین مرتبه اخلاص آنستکه بنده آنچه طاقت و قدرت دارد در راه خدا بدهد و بذل نماید و برای آنها قدر و قابلیتی در پیش خود بحساب نیاورد که از خدا مطالبه عوض نماید بلکه اینطور باشد که اگر خدا خواسته باشد از او مطالبه کند حق بندگی راهمانا عاجز خواهد ماند و مقام پستر بنده مخلص در دنیا سلامتی اوست از تمام گناهان که در آخرت نجات و خلاصی او از آتش جهنم و رسیدن به بهشت بار آن بزرگوار فرمود صاحب‌النیه الصادقة صاحب‌القلب السلیم هر کس دارای نیت راست و درست باشد دارای دل سالم هم خواهد بود بجهت اینکه دل صاف و سلامت از خرواهشهای نفسانی می‌تواند نیت را برای خدا خالص گرداند در تمام کارها همانطور که خداوند سبحان می‌فرماید.

«یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سلیم» روز قیامت ثروت و فرزند سود و فائده ندارد مگر کسی که با دل صاف و پاک بر خدا وارد شود لذا نیت از دل ظاهر می‌گردد باندازه صفای معرفت که هر قدر صاف باشد نیت خالص تر خواهد بود و اخلاص بنده اختلاف پیدامی‌کند بحسب اختلاف اوقات یعنی انسان و دل او بیک حال نیست لذا اخلاص هم متغیر و قابل شدت و ضعف می‌باشد لکن صاحب نیت خالص هوا و نفس هر دو در تحت سلطنت و عظمت حق تعالی و حیای از او مقهور و مغلوب می‌باشند .

اما تکبیر (الله اکبر گفتن) معنایش اینست که خدا از تمام موجودات بزرگتر است یا بزرگتر از نیست که وصف شود و صفات او بیان گردد یا از اینکه بیکی از حواس پنجگانه ادراک شود (باصره - سامعه - لامسه - ذائقه شامه) . یا بزرگتر از اینست که به مردم قیاس گردد پس هر زمان که انسان به این کلمه نطق کند و زبان گشاید یعنی بگوید (الله اکبر) سزاوار است که دلت ترا تکذیب نکند و نگوید دروغ می‌گویی زیرا با گفتن این کلمه مبارکه اگر در دلت چیز دیگری از خدا بزرگتر جلوه کند خداهم می‌فرماید دروغ گفتی هر چند حرف و کلام تو راست و درست و مطابق با واقع است . معذالك باقلب و عقیده خودت درست نیست مانند شهادت دادن منافقین که خداوند به پیغمبرش خبر می‌دهد . **و هو من ینحاله مدرسه فیضیه قم**

«اذا جائك المنافقون قالوا انك لرَسُولُ اللَّهِ والله يشهد انك لرَسُولُ اللَّهِ والله يشهد ان المنافقین لكاذبون» .

در صورتیکه هوای نفس تو بر امر خدا غلبه کند و تو پیرو او باشی با اینحال خدای تو همان هوای تو خواهد بود پس گفتن (الله اکبر) لقلقه زبانی بیشتر نخواهد بود که دلت زبان ترا موافقت نکند بسیار بسیار خطر بزرگی است در صورتیکه توبه و استغفار و حسن ظن بکرم خدا و گذشت او از گناهان

نباشد حضرت صادق علیه السلام می فرماید .

«اذا كَبَّرْتَ فاستصغر ما بين العلى والثرى دون كبريائه فسان الله اذا اطاع على قاب العبد وهو يكبر وفى قلبه عارض عن حقيقه تكبيره قال يا كاذب اتخدعنى و عزتى و جلالى لاحجبتك عن قربى و لاحرمك حلاوة ذكرى والمسارة بمناجاتى» .

هر وقت تکبیر می گوئی باید آنچه بین آسمان و زمین است کوچکتر و پست تر بدانی نسبت به مقام کبریائی و جلال و عظمت حق تعالی بجهت اینکه خداوند متعال علم و اطلاع کامل بردل بنده خود دارد پس هر گاه تکبیر بگویند و دردل او چیزی عارض شود و جلوه کند و آنرا بزرگ بشمارد که با حقیقت تکبیر مخالفت داشته باشد با این حال خدا می فرماید ای دروغ گو آیا مرا فریب می دهی و خدعه می کنی به عزت و جلال خودم قسم که از شیرینی ذکرم تو را محروم می گردانم و از مقام قریم حاجب و مانع می شوم پس خودت را وقت نماز در مقام آزمایش و امتحان قرار ده در صورتی که حلاوت و شیرینی ذکر و مناجات در خودت مشاهده کردی و دلت شاد و مسرور گردید و از مخاطبات با خدا لذت بردی از رازونیا با خالق خودت بدان که ترا در تکبیر گفتن تصدیق فرموده اما در صورتی که از مناجات و رازونیا با قادر چاره ساز لذت نبری و بهره مند و خوشحال نگردی دلیل اینست که ترا محروم ساخته و از باب رحمت و اسعه رانده و ترک نموده است بداهت بحالت .

اما دعاء توجه که آغاز کلماتی است که تو می گوئی . (وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً مسلماً) یعنی بروی خودم رونمودم بجانب آن خدائیکه آسمانها و زمین را آفریده در حالی که حق می گویم و مسلمان هم می باشم بدیهی است که مراد بروی روی ظاهر نیست بجهت اینکه هنگام نماز به جانب کعبه و قبله روی نموده ای و خداوند منزّه است از اینکه محدود

به جهات باشد و در طرفی باشد تا بجانب او بروی ظاهره رونمایی بلکه مراد روی دل است که توجه می کند و رومی آورد به خالق آسمانها و زمین پس بروی دلت نگاه کن و بین به چه چیز توجه کرده و روی آورده آیا هنوز متوجه آرزوهای خود می باشد و قصدش در خانه و بازار و دادوستد و غیر اینهاست و پیرو شهوات لذات فانی دنیا است یا روی به آفریدگار آسمانها و زمین است بترس و پرهیز نما که ابتدای مناجات و راز و نیاز تو در برابر حق تعالی بدروغ باشد و باعث گردد روی رحمت خود را از تو برگرداند و باقی عبادت تو را مطلقاً قبول نفرماید و روی بنده بجانب خداوند متعال نمی شود مگر وقتی که از هر چه غیر از خدا باشد روی برگرداند زیرا دل به منزله آینه می باشد که رویش صیقلی و روشن است اما پشت آن تیره و تار آینه قبول صورت نمی کند و در او جای نمی گیرد مگر وقتی که روی روشنش بطرف آن چیز باشد و گرنه در صورت استبدار که پشت آینه بطرف چیزی باشد محال است آن چیز در آینه جای گیرد برای همین است که گفته شده کانت الدنيا والآخرة ضرتین كلما قربت من احدهما بعدت عن الاخری دنیا و آخرت را تشبیه کردند به دو هب و که شوهر به هر کدام نزدیک شود از دیگری دور می گردد حال تو تا می توانی سعی و کوشش نما که تمام توجهت بجانب خدا باشد در صورتی که از این کار عاجزی و نمی توانی همیشه بیاد خدا باشی لا اقل در تکبیرة الاحرام مراقبت کن و مواظب باش که دروغ نگویی شاید در باقی احوال نماز مورد مسامحه و عفو واقع شوی و چون می گوئی حنیفاً مسلماً یعنی حق می گویم و مسلمان هم می باشم بخاطر بیایور و در دلت بگذران که مسلمان آنست که مردم از دست و زبان او سالم و آسوده باشند اگر این طور نیستی همانا در این گفتار دروغ گو خواهی بود و سعی کن در آینده پشیمان و عازم باشی بکسی آزار نرسانی و هر وقت بگویی و ما انا من المشرکین یعنی از مردمان مشرک نیستم

بردلت بگذران و جلوه ده شرك خفی را که درباره آن گفته شده هواخفی من دبیت النملة السوداء فی اللیلة الظلماء علی الصخرة الملساء، و فرمایش خداوند متعال را که می فرماید، « فمن كان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرك بعبادة ربه أحدًا » .

هر کس به ملاقات پروردگار خود امیدوار باشد باید کارهای خوب و شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگار شریک نسازد و کسانی پروردگار را عبادت می کنند که هم چنین مردم را مدح و ستایش می نمایند مشرک می باشند توهم ملتفت باش و بدان باینکه می گوئی از مشرک ها نیستم از این گونه شرك خالی و صاف نیستی به جهت اینکه شرك اسمی است که بر زیاد و کمی آن واقع می شود و هر وقت بگوئی « محیای و مماتی لله رب العالمین » یعنی زندگی و مردن من برای خدائست که پروردگار جهانپایان است بدان که این حال بنده ایست که خودش را هیچ بداند و در صورت وجود همه چیز خود را از جانب مولایش دانسته باشد و کسی که این سخن را می گوید در صورتی که غضب و رضا و نشستن و برخاستن و میل او بر زندگانی دنیا و ترس او از مرگ برای کارهای دنیا باشد این حرفها از او شایسته نیست و دروغگو می باشد .

اما قرائت

قرائت که چهارم از مقارنات است و وظیفه آن بسیار و از شماره بیرون و احاطه بر آن از قوه بشر بر نمی آید و با وضع رساله هم مناسب نیست بجهت اینکه کلمات خالق ذوالجلال دارای روش عجیب و اسرار و دقایق لطیف و حکمت های مرموز و پنهانی است و مقصود از آنها حرکت تنهای زبان نیست بلکه مقصود و مطلوب معناهای آنهاست که باید فکر و تأمل نمود و از حکمت های آن استفاده کرد . و بر اسرار و دقایق آن اطلاع پیدا نمود از قبیل امر و نهی و وعدو و وعید و ذکر نعمت های فراوان و احوال پیامبران و جانشینان آنان و از

عواقب حالات جباران و عاقبت کار پرهیزگاران و غیر اینها از منفعتهای ظاهری و باطنی یاد نمود و عبرت گرفت هر وقت بگوئی «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» از شر و مکر شیطان رانده شده به خدای یگانه پناه می‌بری باید بدانی که شیطان دشمن بزرگ تو است و می‌خواهد دلت را از خدا برگرداند چون دارای بخل و حسد می‌باشد لذا از مناجات و راز و نیاز تو با خداوند و سجده نمودن تو حق تعالی را خشمگین می‌شود زیرا خودش بواسطه ترك يك سجده ملعون و رانده شده و معنی پناه بردن به خدا از شر شیطان آن است که آنچه شیطان دوست دارد ترك نمائی و آنچه محبوب خداست به عوض بجای آنها قرار دهی نه به گفتن تنهای لفظ «اعوذ بالله» باشد مثل کسی که حیوان درنده یا دشمنی قصد و اراده دارد او را بکشد و از هم بدرد می‌گوید پناه می‌برم به این قلعه و حصار متین و محکم و در جای خودش ثابت بماند و تکان نخورد هیچ فایده و منفعی برای او متصور نیست مگر وقتی که از جای خود حرکت کند و خودش را به آن حصار برساند و همچنین اشخاصیکه پیروی می‌کنند شهوات نفسانی را که محبوب شیطان و مبعوض رحمن است و به گفتن کلمه «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» نباید اکتفا کند بلکه باید گفتارش را با کردار و عملش هم دوش و متصل سازد یعنی پناه بردن از فریب و مکر شیطان به حصار محکم الهی که پیغمبر خاتم (ص) خبر داده است کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی این کلمه طیبه حصار من است کسی که به این حصار محکم پناهنده شود از عذاب من در امان و راحت می‌باشد آن کسانی که به این سنگر خدائی پناه برده و معبودی به غیر از خدا نداشته باشند لکن اشخاصیکه هواهای نفسانی را معبود خود قرار دهند در میدان و ردیف شیاطین می‌باشند نه در سنگر الهی و دیگر از مکر و فریب‌های دقیق و مخفیانه شیطان این است که در نماز ترا به فکر کارهای آخرت می‌اندازد تا از فهم معانی کلمات قرائت

باز دارد پس بدان و آگاه باش که هر چه ترا از فهم معانی قرائت بازدارد و سوسه شیطانی است بجهت اینکه مراد و مقصود از قرائت حرکت خالی و تنهای زبان نیست بلکه مقصود اتم و اکمل معانی کلمات قرائت می باشد همانطور که در پیش ذکر شد و مردم در قرائت سه دسته می باشند یک قسم از آنها اشخاصی هستند که فقط به حرکت و لقلقه زبان تنها اکتفا می کنند و هیچ بفکر معنای آن نمی باشند این دسته از مردم زیانکار و داخل در مذمت و سرزنش خداوند متعال هستند که می فرماید «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوبهم اقفالها» آیا هنگام قرائت فکر و اندیشه ندارند بلکه بردل های آنان قفل هائی است و پیغمبر خاتم هم فرموده است «ویل لمن لا کها بین لحيه ثم لم یتدبرها» وای بحال اشخاصیکه قرآن را بین دو فک خود می چرخانند و در معنی آن فکر و اندیشه نمی کنند و قسم دیگر مردمانی می باشند که زبان آنها به گفتن کلمات در حرکت است و دل های آنان پیروی می کند زبانهای ایشان را مثل اینکه از خدا می شنوند این مقام و درجه اصحاب یمین می باشد و قسم سوم اشخاصی هستند که معانی الفاظ اول بذهن آنان تبادز می کند و سبقت می گیرد و بعد زبان ترجمان آنچه به دل ایشان واقع شده می باشد این مقام و درجه مقریین است که زبان آنها پیرو دل ایشان می باشد فرق و امتیاز این دو مقام از یکدیگر روشن و آشکار است مقام مقریین زبان تابع دل است و مقام اصحاب یمین دل تابع زبان و ترجمه ظاهر معنی سوره فاتحه بر سیل اختصار این است: و قتیکه می گویی بسم الله الرحمن الرحيم تبرک و تیمن می جوئی و نیت می کنی به اسم مبارک خدا و اینکه تمام کارها راجع به خدا است و بنام خداوند بخشنده مهربان کمک و یاری می جوئی بجهت اینکه تمام کارها در ید قدرت کامله الهی می باشد.

پس ناگزیر حمد و سپاس مختص او خواهد بود و قتیکه می گویی الرحمان

الرحیم در دلت بگذران و جلوه‌ده انواع و اقسام لطف‌های بی‌انتهای حق تعالی را تا امیدواری مقرون به بیم و ترس برای تو روشن و آشکار گردد و در دلت عظمت و جلال کبریائی و خوف و هراس جای گیرد برای گفتن کلمه مالک یوم‌الدین اما بزرگی و عظمت برای این است که برای هیچ مالکی ملکی نیست مگر برای خدا اما خوف و ترس برای هول روز جزا و کیفر اعمال که تمام اینهارا او مالک است و بعد اخلاص خودت را تازه می‌کنی بگفتن ایاک نعبد و ایاک نستعین بطور تحقیق و یقین بدان که اطاعت و عبادت برای تو فراهم و میسر نمی‌گردد مگر به اعانت و کمک او و باید کمال امتنان و تشکر را داشته باشی که خداوند ترا توفیق داده که عبادت کنی و برای انجام فرمان تو را به خدمت برگزیده و برای مناجات و راز و نیاز اهل دانسته در صورتیکه توفیق را از تو سلب می‌کرد و می‌گرفت همانا از رانده شده‌گان بودی و در گروه شیطان مردود ملعون قرار می‌گرفتی در این موقع که کارهای خود را و اگذار نموده به گفتن بسم الله و از حمد فراغت پیدا کردی وقتی است که سؤال نمائی و مسئول و مطلوب خود را معین کنی و باید سؤال نکنی مگر کارهای بزرگ و حاجتهای مهم خود را و بگویی اهدنا الصراط المستقیم مارا براه راست هدایت فرما آن راهی که مارا به جوار رحمت و رضایت تو برساند با شرح و تفصیل تا اینکه بگویی صراط اللدین انعمت علیهم مثل و مانند راهیکه به پیامبران و اشخاص نیکوکار و درست رفتار احسان و انعام فرموده نه راهی که به کفار مانند یهود و نصارا و ستاره پرستان داده‌ای وقتی سوره فاتحہ را به این کیفیت خواندی شبیه خواهی گردید به مردمانی که خداوند درباره آنها به پیغمبرش خبر داده «قسمت الفاتحة بینی و بین عبدی نصفین فنصفها لی و نصفها لعبدی» سوره فاتحہ را بین خود و بنده‌ام قسمت نمودم نصف را برای خود و نصف دیگر را برای بنده‌ام قرار داده‌ام بنده می‌گوید الحمد لله رب العالمین خدا می‌فرماید

بنده ام مرا به حق ستودی و به نیکی حمد کردی و معنی سمع الله لمن حمده خدا می شنود آواز هر کسی که او را حمد و ستایش کند تا آخر حدیث در صورتیکه حظ و بهره از نمازت برای تو نمی بود جز یادآوری خدا و مقام عظمت و جلال کبریائی که ترا بازمی دارد و نهی می کند از کارهای بد و ناشایسته همین غنیمت و بهره ترا کفایت می کرد و بس. ترا چه رسد که به فضل و کرم حق تعالی امیدوار می گرداند و همچنین سزاوار و بجا می باشد که هر سوره ای که بعد از فاتحه می خوانی معنی آن را درست بفهمی و تأمل نمایی و از امر و نهی و وعده و وعید غفلت نکنی و همچنین از موعظه های پیامبران و لطف و احسان ایشان فراموش نمایی به جهت اینکه برای هر یک از اینها حقی است پابرجا و استوار که باید مراعات شود و بدست غفلت و فراموشی سپرده نگردد لذا رجا و امیدواری حق و وعده های خداوند متعال است بیم و ترس حق و وعیدهای خدا می باشد عزم و تصمیم گرفتن حق امرها و نهیها است و پند گرفتن حق موعظه و اندرز می باشد و شکر نمودن حق است که هنگام یادآوری نعمت های الهی باید بجای آورد و عبرت گرفتن حق خیرهایی است که پیغمبران به ما گفته اند و تفصیل و وظیفه خواندن قرآن زیاد است به قدری که این رساله گنجایش ذکر تمام آنها را ندارد لکن در آخر فصل مطالبی را بیان خواهیم نمود و ملاحق خواهیم کرد، خلاصه کلام فهمیدن معانی قرآن به حسب درجات فهم اشخاص اختلاف پیدا می کند به اندازه و مقدار علم و علما و وزیادی علم و صفای باطن و وحدت و تیزی فهم ها حد و اندازه ندارد و منحصر هم نیست و نماز کلید ابواب قلوب و در دلهاست. به نماز اسرار کلمات الهی منکشف می گردد و حق قرأت به تسبیح و ذکر همین است پس تا می توانی الفاظ قرآن را زیاد تدبر و تفکر در معانی آنها مراعات نما و در موقع خواندن خیلی تند و سریع نخوان ورد مشو بلکه باطمینان و آرامش و شمرده شده قرأت می کن

به جهت اینکه اینطور قرآن خواندن انسان را برای تدبیر در معنای آن وجدانمودن آیه‌های رحمت و عفو را از آیات عذاب و ترس و همچنین از آیاتی که بر عظمت و جلال کبریائی مبدء حکیم علیم دلالت دارد جدا می‌سازد و با آرامش و وقار بخوان و در گفتار حق تعالی خودت را غرق نما. روایت شده که روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود بخوان و به درجات بهشت بالا رو و ترقی نما همانطور که در دنیا با حال خوش و آواز نیکو می‌خواندی اکنون هم با آرامش قلب و سکونت دل بخوان. حضرت صادق (ع) فرمود «من قرء القرآن ولم یخضع له ولم یرق قلبه ولم ینکسر حزن و وجلاً فی سره فقد استهان بعظم شأن الله و خسر خسراً نبیاً». هر کس قرآن بخواند و دل او نشکند و محزون نگردد و بیم و ترس نداشته باشد به مقام و بزرگی قرآن و عظمت و جلال خداوند اهانت نموده و کوچک شمرده، لذا خسارت و زیان زیادی برده است. پس هر کس می‌خواهد قرآن بخواند به سه چیز محتاج است ۱ دل شکسته، ۲ بدن فارغ و آسوده از خیالات دنیویه، ۳ مکان خلوت. هر زمان برای بیم و ترس از خدا دل او بشکند شیطان را ندیده و از او فرار می‌کند خداوند فرموده (اذا قرئت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم) هر موقع می‌خواهی قرآن بخوانی بخدا پناه ببر از شر و مکر شیطان رانده شده و هر وقت بدن او آسوده باشد از کارهای دنیا دل او صاف می‌گردد برای خواندن قرآن و عارضه‌ای که او را از نورانیت قرآن محروم کند عارض نخواهد گردید و هر زمان از خلق دوری کند و مکان و جای خلوتی اختیار کند بعد از دو حالت اولی روح و باطن او بخدا انس پیدا می‌کند و مأنوس می‌گردد و شیرینی مناجات و راز و نیاز با خدا را مانند بندگان صالح و نیکوکار درمی‌یابد پس هر زمان کسی از این شربت بنوشد هیچ حالی را جز اینحالت اختیار نمی‌کند و هیچ وقتی غیر از این وقت نمی‌خواهد یعنی می‌خواهد همیشه در این وقت با اینحالت مناجات را با خالق

خود بنماید این وقت و حالت را بر تمام اوقات و حالات ترجیح می‌دهد و بهتر می‌داند بجهت اینکه در این وقت بدون هیچ واسطه با خالق خود راز و نیاز می‌کند و درددل می‌نماید برای همین است که باید خیلی حواس جمع و دقت کند که چگونه کتاب و منشور پروردگارش را می‌خواند و اوامر و نواهی او را امثال می‌کند زیرا قرآن کتابیست که مثل و مانند ندارد . . .

(فسانه کتاب عزیز " لایاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید) .

همانا قرآن کتابیست که مانند او نیامده و هیچ بیهودگی نه از قبل و نه از بعد به او راه ندارد و از جانب خداوند دانای پسندیده نازل گردیده . باید خیلی باوقار و طمأنینه بخوانی و هر وقت به آیه‌ای که دارای وعده خیر و خوبی است یا آیه و وعید که دارای ترس و وحشت می‌باشد رسیدی و قرائت نمودی صبر و توقف‌نما و درو عظ‌های آن فکر و تأمل کن که مبادا حرفی ضایع گردد و حق آن ادا نشود .

امارکوع هر وقت به رکوع رسیدی ذکر کبریائی و عظمت خدا را بردلت تازه کن و تجدیدنما و آنچه غیر از خدا می‌باشد پست و خوار بشمار و دودست خود را بلند کن و بگو الله اکبر و پناهنده شو از عذاب و عقاب الهی به عفو او در حالی که پیروی کرده باشی منت پیمبر خدا را تکرار نما پستی و ذلت خود را و عظمت و جلال مبداء متعال را .

استعانت و یاری طلب کن به تکرار لفظ برزبانت تا بردلت ثابت بماند و نقش بندد و به زبان شهادت‌دهنده به کبریائی و جلال خدا بگفتن «سبحان ربی العظیم و بحمده» از هر بزرگی بزرگتر می‌باشد تا می‌توانی و قدرت‌داری این لفظ را بر زبان تکرار نما تا در ذات و دل تو ثابت و پابرجا و استوار بماند هر اندازه زیاد نمائی خضوع و فروتنی خودت را پیش مولا و آقایت درجه و

مقام تو بلندتر می‌گردد و بعد از رکوع بلند می‌شوی در حالی که امیدوار هستی که بر ذلت و پستی تو خداوند رحیم ترحم فرموده و امیدواری خود را تأکید می‌کنی به گفتن (سمع الله لمن حمده) .

هر کس خدا را سپاس و شکر کند او شنیده و جواب می‌دهد بعد از این بدون توقف خدا را شاکریم و برای زیاد بودن رحمت و نعمت می‌گوئی (الحمد لله رب العالمین) هر گاه این ذکرها را مراعات نمائی خضوع و خشوع و ذلت و پستی خود را بنهایت رسانده باشی در واقع .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: (لا یرکع العبد رکوعاً علی الحقیقه الا زینه الله بنور بهائه و اظله فی ضل کبریائه و کسا کسوة اصفیائه) هیچکدام از بندگان نمی‌باشند که رکوع را در واقع و حقیقت بجا آورند مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی بنور تابنده خود او را نورانی کرده و زینت می‌دهد و بسایه جلال و کبریائی بر او سایه می‌افکند و به لباس برگزیدگان او را ملبس نموده و می‌پوشاند. رکوع بحسب مرتبه اول است و سجود دوم هر کس مرتبه اول را کامل کند برای مقام دوم صلاحیت پیدا می‌کند و در رکوع تحصیل ادب است و در سجده تحصیل مقام قرب. هر آنکس که ادب نیکو ندارد برای مقام قرب صالح نخواهد بود لذا انسان باید با دل شکسته و قلب حزین رکوع نماید و خودش را در مقام سلطنت و کبریائی حق تعالی خیلی پست و ناچیز بداند و چون فائده و منفعت‌های رکوع کنندگان از او فوت شده غمگین شود و محزون گردد. از ربیع ابن خثیم حکایت شده که در یک رکعت نماز شب را به صبح می‌رساند چون صبح می‌شد آه می‌کشید و گریه می‌کرد می‌گفت مردمان با اخلاص بر من پیشی گرفتند. (سبق المخلصون) .

رکوع خودت را بر است نمودن پشت هنگام رکوع برای ادای وظیفه و امتثال امر و بدلت از وسوسه و حیل‌های شیطان فرار نما

بجهت اینکه خداوند مقام و مرتبه بنده را بلند می‌کند باندازه تواضع و فروتنی او و بقدر اطلاع آنها بر عظمت و جلال الهی آنها را هدایت می‌فرماید زیرا خداوند بطور کامل بر امور پنهانی بندگان اطلاع و آگاهی دارد.

اما سجود بزرگترین مرتبه‌های پستی و بهترین پایه‌های ذات و بلندترین مقام زجر و خوار نمودن نفس است لذا سزاوارترین منزل‌ها می‌باشد به اجابت قرب به مقام شامخ ربوبیت که نورهای رحمت الهی و لطف و عطف و کرم‌های ربانی را ادراک نماید همانطور که در قرآن کریم خداوند رحیم به پیغمبر گرامی خود (ص) امر فرموده است که سجده نما و نزدیک بیا «واسجدو اقترب» لذا هنگام اراده سجده عظمت و جلال مقام کبریائی را باید بیشتر از موقع رکوع در دلت بگذرانی و جای دهی و دودست خود را در حالیکه ایستاده باشی بلند نمائی و تکبیر بگویی و بعد به جانب سجده میل نموده و صورت خود را که بهتر و عزیز تر عضو بدنت می‌باشد بخاک که از تمام موجودات پست تر است بگذاری و تا امکان دارد و می‌توانی چیز دیگری بین صورت و خاک حجاب و واسطه قرار ندهی بجهت اینکه این رفتار و کردار برای پستی نفس جالب تر و بر فروتنی و خوار شمردن آن دلالت بیشتری دارد فلسفه و سر اینکه در شریعت غرأ منع شده از سجده کردن بر چیزهای خوردنی و همچنین بر پوشیدنی‌ها این است که اینها (خوردنی و پوشیدنی) از متاع‌های دنیا می‌باشند و اهل دنیا را گرفتار و فریب می‌دهند و مردمان دنیا پرست هم فریب خورده و بر مزخرفات و چیزهای رنگارنگ مطمئن گردیده و تکیه نموده‌اند و همه آنها را بطرف خود کشانیده و به مهالك سپرده و تسلیم نموده و بدان چون خودت را پست و ذلیل نمودی و فرع را به اصل برگردانیدی بجهت اینکه تو از خاک آفریده شده‌ای و بخاک نیز خواهی رفت و از همان خاک باز بیرون می‌آیی در دلت تمام این نقل و انتقالات را بگذران و جلوه گر نما و به تکرار نمودن سجده همانطور

حق تعالی فرموده «ومنها خلقناکم وفيها نمیدکم ومنها نخرجکم تارة اخرى» تا می توانی و قدرت داری بزرگی و کبریائی و جلال پروردگارا در دلت جلوه ده و تجدید نمای و بگو «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و تا می توانی تأکید و تکرار کن بجهت اینکه اثر گرفتن يك مرتبه آن در دل کم است و فایده کامل ندارد اما در صورتیکه دلت نازک گشته و شکست برحمت حق امیدوار باش زیرا رحمت و لطف پروردگار بیشتر شامل حال شکسته دلان و ذلیلان است نه به طرف متکبران و خودپسندان آنوقت سراز سجده بردار و تکبیر بگو و حاجت خود را طلب نما و از گناهان توبه کن و برگرد به سجده دوم هر اندازه ذکر را تأکید و تکرار نمائی در سجده و خودت را ذلیل و حقیر به شمار آری نعمت های الهی بیشتر بتو می رسد و نورانیت قلبت بیشتر می گردد در صورتیکه همینطور که گفته شد رفتار کنی حضرت صادق (ع) می فرماید:

«ما خسرو الله من اتى بحقیقة السجود ولو كان فى العمر مرّة واحدة» و ما افلح من خلى بربه فى ذلك الحال شبيها لمخادع نفسه غافل لاه عما اعد الله للساجدين من الانس العاجل وراحة الاجل ولا بعد عن الله تعالى ابدأ من احسن تقربه فى السجود ولا قرب اليه ابدأ من اساء ادبه وضيع حرمة بتعلق قلبه لسواه فى حال سجوده فاسجد متواضع» .

بخدا قسم زیان و ضرر نکرده و نمی کند کسی که سجده نماید خدارا بواقع و حقیقت اگر چه در تمام مدت عمر یکمرتبه سجده حقیقی کرده باشد و رستگاریست و نخواهد بود هر کس که با خدای خودش خلوت کند و در آن حال مانند کسی باشد که خود را شبیه نموده که می خواهند خودشان را فریب دهند و گول زنند یعنی غافل و بی خبر باشد از آنچه خداوند منان برای سجده کنندگان مهیا فرموده که عبارت از انس با خداست در دنیا و آسودگی و استراحت در عقبی و آخرت، هر کسیکه سجده را خوب بجا بیاورد و بغیر از

خدا به چیز دیگری از امور دنیا توجه نداشته باشد هیچوقت از مقام قرب الهی دور نخواهد گردید و آنکه در حال سجده ادب نگاه ندارد و بغیر خدا و بکارهای دنیا دلش مشغول باشد هرگز قربی ندارد و بخدا نزدیک نمی‌شود و پیوسته از آن مقام دور بوده و خواهد بود. پس سجده کن برای خدا با تواضع و ذلت و پستی مانند کسیکه می‌داند خلق شده از خاکی که همیشه لگد می‌شود و پیامال مردم می‌باشد و هم چنین از نطفه گندیده که از آن دوری و نفرت دارد و بداند که خداوند سجده را موجب تقرب و نزدیکی بخود قرار داده لذا هر کس بخدا نزدیک شود از غیر او دور می‌گردد. آیانی ببینید که در ظاهر سجده بجا آورده نمی‌شود مگر به پنهان شدن تمام اشیاء و به پوشیدن چشم از چیزهایی که در سجده بغیر از خدا آنها را می‌بیند هم چنین است کارهای باطنی و سجده حقیقی لذا کسی که در سجده دلش بغیر از خدا اشتغال داشته و آن غیر در قلاب او جلوه‌گر شود بدون از آنچه مقصود و حقیقی و مراد واقعی خداست از سجده در نماز دور می‌گردد و به آن غیر نزدیک می‌شود حق تعالی می‌فرماید:

«ما جعل الله لرجلٍ من قلبین فی جوفه» خداوند در باطن یکنفر دودل

قرار نداده پیغمبر (ص) فرموده: لا اطلع علی قلب عبد فاعلم فیه حب الاخلاص لطاعتی لوجهی و ابتغاء مرضاتی الا تولیت تقویمه و سیاسته و من اشتغل بغیری فهو من المستهزئین بنفسه مکتوب اسمه فی دیوان الخاسرین» .

یعنی بر دل بنده‌ای اطلاع پیدا نمی‌کنم مگر اینکه در دل او دوستی خالص باشد برای اطاعت و فرمانبرداری من و همچنین طالب باشد رضایت مرا مگر اینکه بر عهده می‌گیرم راستی و سیاست و نگهداری کارهای او را و هر کس بغیر من توجه داشته و مشغول باشد خودش را مسخره کرده و نام او در دیوان زیانکاران نوشته می‌گردد .

اما تشهد در نماز هنگامیکه برای تشهد نشستی بعد از این کارهای دقیق

و اسرار عمیق که دارای خطرات شگفت‌انگیز و ترس و هراس‌های بسی بزرگ‌می‌باشد باشعور باش و بفهم باحالت بیم و امید که مبدا تمام کارهای گذشته‌تو بروجه صحیح بجا نیاورده شده و آنچه وظیفه و شرط بندگی بوده امتثال نکرده باشی و دست‌خالی مانده از فایده و منفعت‌هایی که در نماز وعده فرموده‌اند جز اینکه خداوند مهربان بکرم و فضل و واسع خودش تدارک و جبران نماید عمل ناقص‌تر پس به اصل دین برگرد و به کلمه توحید چنگ‌بزن و در حصار محکم وحدت حق درآی . آن حصاریکه فرموده‌اند هر کس وارد شود محفوظ و در امان می‌باشد . و بعد از شهادت به وحدت و یگانگی حق متعال در دل بگذران و شهادت‌بده به بندگی و رسالت پیغمبر خاتم (ص) و آلش و درود بفرست براو و آلش و دعانما و با خدا به اعاده کلمه شهادتین تجدید عهد نمای بجهت اینکه این دو شهادت اساس و بنیان مراتب سعادت می‌باشد و هم چنین او این وسیله که جامع فضایل و کمالات می‌باشند این دو کلمه شهادت هستند که انتظار داشته باشی حضرت خاتم الانبیاء (ص) ترا بدهد برابر اجابت خواهد فرمود و رستگار خواهی بود چونکه خود آنحضرت فرموده «من صلی علی مرّة صلیت علیه عشرّاً الخ» در صورتیکه به درود و ثنای خود انجام وظیفه نمائی و ثواب یکی از صلواتهای پیغمبر به تو برسد سعادت‌مند خواهی بود همیشه حضرت صادق (ع) فرموده‌اند :

التشهد ثناء علی الله تعالی فکن عبد الله فی السر خاضعاً له فی الفعل كما انک عبد له بالقول والدعوی وصل صدق لسانک بصفاء صدق سرك فانه خلقک عبداً فامرك ان تعبدہ بقلبك ولسانک وجوارحک. تشهد ثناء و تمجیدی می‌باشد از بنده برای خداوند پس در پنهان بنده خدا باش و برای خدا در کردار خودت را پست بشمار و خضوع نما همانطوریکه به ادعا و گفتار خودت را بنده او می‌دانی راستی زبانت را باصفاء دلت وصل کن و یکی نما به جهت اینکه خداوند

ترا بنده خلق نموده و امر فرموده که بدل و زبان و اعضا و جوارحت او را عبادت نمائی تا عبودیت و بندگی تو برای خدا و هم چنین خدائی و تربیت او برای تو ثابت و محقق شود و بدانی که مهار و انفسار خلق بدست خداست و بنده را یاری نفس کشیدن و چشم برهم زدن نیست مگر به مشیت الهی و مردم عاجزند که در مملکت او کمتر کاری انجام دهند مگر باذن و اراده او. قال الله تعالی «و ربك یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة من امرهم سبحان الله و تعالی عما یشركون» یعنی پروردگار تو آنچه بخواهد خلق می کند و اختیار می فرماید در کارهای خدا کسی را اختیاری نیست پاك و منزه و بلند مرتبه تر می باشد از آنچه آنها شريك برای خدا قرار می دهند پس بنده ذاكر باش به گفتار و شکر گزار بر رفتار و راستی زبانت را با صفای دل یکی و پیوسته نمای به جهت اینکه خدا ترا آفریده و بوجود آورده و مقام و مرتبه او بالاتر از این است که اراده و مشیت کسی مقدم بر اراده او باشد تا می توانی سعی و کوشش کن که بندگی خود را در رضایت به حکمت و قضای او و ادای او امر و ترک نواهی او بکار و ادارنمائی بدرود و ثنای بر پیغمبر خودش محمد بن عبدالله (ص) و آل او امر فرموده لذا وصل و پیوند کن صلوات بر پیغمبر را بذکر خدا و همچنین طاعت او را بطاعت خدا و شهادت او را به شهادت خدا و خیلی دقت کن و مواظب باش که مبدا برکت های معرفت حرمت پیغمبر از تو فوت نگشته و ساقط نشود که از امر نمودن خداوند او را بر صلوات بر تو و طلب آمرزش و شفاعت درباره تو محروم نمائی. تمام اینها وقتی است که نماز واجب را با شرایط و امرونی و مستحبات آن بجای آوری و جلالت قدر و مقام پیغمبر را نزد خدای عز و جل بدانی.

اما سلام نماز هنگام فراغت از تشهد در دلت بگذران و در قلبت جلوه گر

ساز تمام پیغمبران و ملائکه مقرب حق تعالی را و بگو (السلام عليك

ایها النبی ورحمة الله وبرکاته) تا آخر سلامهای مستحب و بعد را هم چنین بدلت بگذران و جلوه ده پیغمبر (ص) و آل او را و باقی پیامبران خدا و امامان علیه السلام و ملائکه ای که حافظ و نگهدارنده کارهای صادر از تو می باشند و بگو «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» یعنی درود و تحیت بر شماها همگی با رحمت و برکت های الهی صیغه خطاب را که لفظ علیک وعلیکم می باشد بدون حضور مخاطب بر زبان جاری نما و بدلت بگذران و جلوه مده که از لغو گویان و بیهوده و عبث کاران خواهی بود چگونه می توانی خطابت را بکسی که در ذهنت حاضر نکرده ای برسانی و بشنوانی در صورتی که فضل و رحمت خداوند رؤف و مهربان شامل حالت نگردد و مشمول رحمت و اسعه الهیه واقع نشوی و برابر عدالت با تو رفتار می گردید اینگونه نماز بعلاوه که موجب قرب نبود و از درجات و مقام وصول پست و دور بود کافی از نماز واجب هم نمی گردید اما در صورتیکه برای جمعی از مردم پیشنماز باشی سلام نمازت ایشان مقصودت باشند و آنها هم قصد کنند رد سلام بر تو را. در صورتیکه امام و پیشنماز باشی سلام نماز اشخاصی را که اقتداء کرده اند (مأموم) بنظر بگذران و بر آنها سلام نما و ایشان هم برد سلام تو را قصد نمایند و مقصودشان باشد. هر وقت این کارها را کردی وظیفه سلام را ادا نموده و از جانب خداوند متعال زیادی اکرام و اجر را مستحق خواهی بود و اصل لفظ سلام هم مشترک می باشد بین تحیت خواص و اسم مقدس از اسمهای خدا و مقصود سلام در نماز به معنی اول که تحیت خاص است می باشد و دوم به معنی باذن خدا در میان مردم مستعار می باشد برای تعال به این معنی که مخلوق با اسم خداوند خودشان فال نیک می زنند و سلامت از عذاب الهی را می خواهند برای اشخاصی که به حدود الهی قیام نموده و پیا ایستاده اند.

حضرت صادق علیه السلام می فرمایند السلام فی دبر کل صلوة الا امان

سلام در آخر هر نمازی باعث امان است یعنی هر کس امرهای خدا و سنتهای بی‌قیمبر (ص) را با حال خشوع و فروتنی ادا کند از بلاهای دنیوی و عذابهای اخروی در امان و آسوده خواهد بود بجهت اینکه سلام اسمی است از اسمای خداوند تبارک و تعالی که در میان مردم به امانت گذاشته شده تا معنای آنرا در معاملات و امانات و تمام کارها بکار بندند و رفتار نمایند و تو اگر می‌خواهی سلام را در جای خودش بکاربندی و معنای آنرا درست ادا نمائی تقوی و پرهیزگاری را شعار خود ساز تا دین و عقلت صحیح و سالم بماند و آنهارا آلوده و تیره نما بظلمت و تاریکی معصیت و همچنین آنهاییکه حافظ و نگهبان اعمال تو هستند مبدا آنهارا بوحشت اندازی بکارهای زشت و ناشایست که از تو ملول شوند و دلگیر گردند و هم چنین باید دوستان خودت را سلامت و خوشحال نمائی حتی آنهایی هم که باتو عداوت و دشمنی دارند باید از تو سالم بمانند و سلامتی آنها را بخواهی بجهت اینکه اشخاصیکه دوستان و نزدیکان از او سالم نباشند و از او فرار کنند دشمنان بطریق اولی از او فرار خواهند کرد و در امان نخواهند بود هر کس سلام را به همین طور که بیان شد در جای خودش نگذارد و حقش را ادا ننماید سالم نخواهد ماند و مسلمانان هم از او در امان نخواهند بود و در سلام دادن دروغگو و کاذب می‌باشد هر چند در میان مردم بصدای بلند سلام دهد و آشکار نماید تتمه ایست هنگامیکه نماز را با اوصاف و شرایطی که بیان شد بجا آوردی بعد از آن ختم نما و تمام کن آنرا با خشوع و فروتنی و ذلت و خواری و ترس از اینکه مبدا نماز تو قبول نگردد و رد شود و از ثوابهای وعده داده شده بنماز گزاران محروم و نا امید گردی و خدارا شکر کن و سپاس گزار که توفیق داده و موفق گردانیده که طاعت و عبادت را با آخر رسانده و تمام نموده و خیال نما که آخرین نماز تو است و بعد از این زنده

نخواهی ماند که نماز دیگری بخوانی مثل شخصی که وداع کند توهم بانماز وداع نما همانطور که پیغمبر (ص) فرموده :

«صل، صلوٰة مودع» نماز بخوان مانند وقتی که وداع می کنی و خودت را درباره نمازهائی که خوانده ای مقصر بدان که مبادا بهم پیچیده شود و بصورت تو بزنند هر زمان اینطور نماز بجا آوری باین اوصاف امیدوار باش که از جمله مردمان خاضع و خاشع در نماز خواهی بود آن مردمانیکه بر نمازهای خودشان محافظت می نمایند و مانند اشخاصیکه همیشه و دائم در نمازند و تا می توانی و قدرت داری این جور نمازت را عرضه بدار بدر بار کردگار در صورتیکه از نماز هایت هر اندازه که توانسته و قادر بوده که باین وصف ادا نموده باشی جا دارد و سزاوار است خوشحالی کنی و شادمان گردی و بر آن نمازهائی که اینطور بجا نباورده ای تأسف برده و حسرت بخوری. سعی و کوشش کن که قلبت را مداوا و دل ترا معالجه نمائی و با حال غفلت نماز بخوانی زیرا نماز غافلین چراگاه شیطان لعین می باشد خداوند منان ماها را نگه دارد و در دریای بی پایان رحمت و وسعش فرو برد و از گناهان ما بگذرد و ما را بیمارزد زیرا ای ماها وسیله ای نیست جز اقرار و اعتراف به گناهان و عاجز بودن از قیام به وظیفه طاعت و ادای عبادت بعد از خواندن و تمام نمودن نماز مشغول شوید به تعقیب نماز از ذکر و دعا و تا می توانی مبالغه نما در الحاح و زاری و فروتنی و پستی در دربار قادر متعال برای آمرزش گناهان و قبولی اعمال و عبادتهای صادره از خودت که آنها را پروردگار بدست رحمت و ید قدرت وزن نموده و ارزش داده و قبول فرماید بجهت اینکه فضل و کرم و جود حق تعالی واسع است و تمام موجودات را فرا گرفته و هر کدام را به اندازه قابلیت و استعداد محل بهره مند فرموده خلاصه مطلب وظیفه هر نماز گزار در تعقیب نماز و غیر نماز دعا و زاری و راز و نیاز بدر بار قادر چاره ساز آنست که رئیس مذهب حضرت

صداق علیه السلام فرموده (احفظ ادب الدعاء وانظر من تدعو وكيف تدعو ولما تدعو وحقق عظمة الله وكبريائه وعينه بقلبك علمه لما في ضميرك واطلاعه على سرّك) هنگام دعا کردن ادب را حفظ کن و نگاه دار و درست دقت نما و نگاه کن چه شخصی را می خوانی و طلب می کنی و چگونه او را می خوانی و برای چه امری او را می طلبی بزرگواری و جلال و کبریائی حق را ثابت بدان و به چشم دلت معاینه نما و یقین بدان که بر امور پنهانی و قلبی تو اطلاع کامل دارد و آگاه می باشد و هم چنین راه نجات و صلاح خودت را از راه هلاک و فساد تمیز بده و بشناس که مبادا از خدا طلب کنی و بخواهی چیزی را که موجب فساد و هلاک خودت می باشد و بگمان تو صلاح و خیر است حق تعالی می فرماید در سوره اسراء (و يدع الانسان بالشر دعائه بالخير وكان الانسان عجولا) چیزهای زشت و بد را انسان طاب می کند و می خواهد مانند چیزهای نیک و خوب بجهت شتاب و عجله ای که در انسان نهفته و وجود دارد بهر حال درست فکر کن و اندیشه نما که چه می خواهی و برای چه می خواهی و باید بفهمی و بدانی که حقیقت دعا اطاعت و فرمانبرداری تمام اعضاء بدنست برای خدا و به مشقت افکندن نفس و ترك اختیار از خود می باشد در مشاهده پروردگار و واگذار نمودن اختیار و تسایم تمام کارها ظاهر و باطن آنها را بخداوند قادر متعال .

در صورتیکه دعا را با شرایطی که بیان گردید بجا نیآوری انتظار اجابت نداشته باش چونکه خداوند بکارهای پنهانی و آشکار عالم است و می داند (عالم السر والخفیات) لذا بعضی اوقات که دعا می کنی و از خدا چیزی را می خواهی و او می داند نیت تو خلاف و غیر آنچه میزیست که خواستار شده ای . بعضی از صحابه پیغمبر (ص) به بعضی دیگر گفتند شما دعا کردید و باران طلب نموده و انتظار دارید لیکن ما برخلاف شما منتظریم سنگ ببارد و بدان در صورتیکه خداهم امر نفرموده باشد بدعا نمودن لاکن ما از روی اخلاص و

حقیقت دعا کنیم و بخواهیم از باب تفضل و امتنان خداوند منان به فضل و کرم خود اجابت می‌فرماید پس چگونه اجابت نفرماید دعائی را که خودش امر فرموده و اجابت آنرا هم ضمانت فرموده البته بطور حتم و یقین در صورتیکه با شرایط مذکور دعا کنیم اجابت آن قطعی و یقینی خواهد بود از حضرت پیغمبر خاتم «ص» سؤال کردند از اسم اعظم خدا آنحضرت جواب فرمودند دلت را از غیر خدا پاک و صاف نما هر یک از اسمهای خدا اعظم است بهر یک از آن اسمها که می‌خواهی خدا را بخوان در واقع و حقیقت امر برای خداوند اسمی نیست که جدا و غیر از اسم دیگر باشد بلکه خداوند منان قهار جبار یکی است و غیر از او خدائی نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی